

مروری بر فراز و نشیبهای بودجه ۷۳
از دیدگاه پنج تن از نمایندگان مجلس

■ بودجه ۷۳، ایران ۷۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

میزگرد با شرکت:

- * آقای مهندس سیدمحسن یحیوی، نماینده تهران و رئیس کمیسیون امور نفت
- * آقای دکتر عباسعلی زالی، نماینده کرج و نایب رئیس کمیسیون امور برنامه و بودجه
- * آقای مهندس باهنر، نماینده تهران و عضو هیأت رئیسه مجلس
- * آقای مهندس سیدمرتضی نبوی، نماینده تهران و عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی
- * آقای مهندس محمدباقر نوبخت حقیقی، نماینده رشت و عضو کمیسیون امور برنامه و بودجه



اشاره

بودجه ۷۳ به عنوان فصل مشترک دو برنامه اول و دوم توسعه کشور از یکسو و همچنین به عنوان بودجه‌ای که عهده‌دار بازپرداخت بخش مهمی از تعهدات خارجی کشور است، اهمیتی به مراتب بیش از لوایح بودجه در سالهای گذشته یافته است.

«مجلس و پژوهش» با برپایی میز گردی که پنج تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در آن شرکت داشتند به بررسی تعادل هزینه‌ها و درآمدها، رشد نقدینگی و تورم، چگونگی بازپرداخت تعهدات خارجی، مالیاتها، تعرفه‌ها، خصوصی‌سازی و دیگر ویژگیهای لایحه بودجه پرداخته است.

شرکت‌کنندگان در میز گرد، مهمترین ویژگیهای بودجه ۷۳ را واقعی شدن درآمدها، افزایش قابل توجه سهم مالیات شرکتهای دولتی، کاهش رقم پیشنهادی دولت برای افزایش نرخ خدمات و تصمیم‌گیری برای بازپرداخت سه میلیارد دلار از بدهیهای خارجی کشور تا پایان سال ۷۳ برشمرده‌اند.

آنچه در ادامه می‌خوانید دیدگاههای آقایان سیدمحسن یحوی رئیس کمیسیون نفت، دکتر عباسعلی زالی نایب رئیس کمیسیون امور برنامه و بودجه، محمدرضا باهنر عضو هیأت رئیسه و عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی، مهندس مرتضی نبوی عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی و مهندس محمدباقر نویخت، عضو کمیسیون امور برنامه و بودجه پیرامون ابعاد مختلف و ویژگیهای بودجه سال ۷۳ است که در پاسخ به پرسشهای «مجلس و پژوهش» در آستانه شور پایانی مجلس عنوان شده است.



□ مجلس و پژوهش: فکرمی‌کنیم
که این شعر معروف:

«به احوال آن کس بیاید گریست
که دخلش بود نوزده، خرج بیست»
مدخل ادبی خوبی برای شروع باشد.

واقعیت آن است که یکی از پیامهای عمده انقلاب مشروطه، ورد و دخول به وادی بودجه‌ریزی بود. قانون محاسبات عمومی ایران در سال ۱۲۸۹ با اقتباس از قوانین مالی فرانسه و چند کشور دیگر به تصویب رسید و طرز تنظیم بودجه و تقسیم آن به دو بخش عایدات و مخارج از جمله تکالیف این قانون بود. البته در سال ۱۳۵۱ بخش بودجه‌نویسی از این قانون مستثنی شد و به قانون برنامه و بودجه ملحق شد و در این واقع فرایند مالی کشور

به قانون محاسبات عمومی واگذار گردید.

از قانون برنامه و بودجه در اصل انتظار می‌رفت که دو حرکت اساسی برای تکامل نظام بودجه ایران انجام دهد و به همین دلیل هم آن اصلاحات در سال ۱۳۵۱ انجام شد. نخست، تلفیق اطلاعات بودجه‌ای و تحقق اصل وحدت بودجه و دوم، جایگزینی مفاهیم جدید مالی و اقتصادی و تعیین هزینه در برابر بازده و بالاخره ایجاد نظامهای کنترل نظارت بر هزینه‌ها.

بدون اینکه بخواهیم وارد تنافر جهات فرایندهای مالی بودجه‌ای که هرکدام قانون پایه خودشان را به صورت قانون محاسبات عمومی و قانون سازمان برنامه و بودجه دارند

اشاره بکنیم، فکر می‌کنیم پرداختن به ساختار نامناسب مدیریت و تشکیلات اداری دولت که خود یکی از دلایل نارسایی نظام بودجه‌ریزی کشور است، ضروری باشد. در نظام اداری فعلی، تداخل، تکرار و تشابه وظایف دستگاه‌های دولتی، تقسیم ناموزون و غیرمنطقی وظایف بین وزارتخانه‌ها و اقتصاد دولتی، دوباره کاری در بسیاری از امور، توزیع نامناسب کارکنان در بین رسته‌های شغلی و مناطق جغرافیایی از عوامل عمده عدم تحقق پیش‌بینی‌های بودجه است. بسودجه درحقیقت برنامه کوتاه‌مدت دولت و محل تلاقی اندیشه و عمل است. استراتژیها و سیاستهای اقتصادی و فرهنگی، برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت در چارچوب بودجه به طرح و پروژه و فعالیت تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر اگر در هنگام تصویب بودجه به پیوستگی‌های لازم توجه نشود هرگز برنامه‌ها به فعلیت نخواهد انجامید. این ویژگی بودجه علاوه بر اینکه اهمیت بررسی دقیق آن را ضروری می‌کند مسأله تعادل بودجه را مطرح می‌سازد.

تعادل بودجه از دو نظر حائز اهمیت است. یکی از نظر تعادل برنامه‌ای و دیگری از نظر تعادل درآمد و هزینه.

بودجه ۷۳ فصل مشترک دو

برنامه عمده و سرنوشت‌ساز اول و دوم جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین باید با دقت و ظرافت سعی شود تا این بودجه قادر به حفظ تعادلها باشد. یعنی هم تعادل برنامه‌ای و هم تعادل درآمد و هزینه. از جنبه اول اگر این بودجه تعهدات سنگین و حجیم ایجاد کند اثرات القایی آن در طول برنامه دوم حضور خواهد داشت و عملکردش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نقطه نظر تعادل هزینه و درآمد، نکته مهم اجتناب از کسری بودجه است که متأسفانه در بودجه‌های گذشته فراتر از تحمل مالی اقتصاد ایران بوده و همواره هدف‌گذاری مسئولین این بوده که این کسری درحد صفر نگهداری شود.

در این راستا تأثیر مخرب کسری بودجه بر سرنوشت محرومان و مستضعفان کشور قابل ذکر است و واقعیت آن است که افزایش نقدینگی، کسر بودجه و تورم، شانه به شانه یکدیگر حرکت می‌کنند.

با اجازه شرکت‌کنندگان محترم، به عنوان نخستین سؤال از جناب آقای مهندس یحیوی می‌پرسیم که بودجه ۷۳ را در یک نگاه کلی دارای چه ویژگی‌هایی می‌دانید؟

آقای مهندس یحیوی: یکی از مهمترین نکاتی که می‌توانم درمورد بودجه ۷۳ به

مجلس و پژوهش:

مجلس و پژوهش

* ساختار نامناسب مدیریت و تشکیلات اداری دولت، خود یکی از دلایل نارسایی نظام بودجه ریزی کشور است.

* بودجه سال ۷۳، فصل مشترک دو برنامه عمده و سرنوشت ساز اول و دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران است.

* نکته مهم در تعادل هزینه و درآمد، اجتناب از کسری بودجه است.

* افزایش نقدینگی، کسر بودجه و تورم، شانه به شانه هم حرکت می کنند.

* کسری بودجه در سالهای گذشته، فراتر از تحمل مالی اقتصاد کشور بوده است.

* برای توسعه صادرات غیرنفتی چه سناریویی باید داشته باشیم؟

صورت موجز و خلاصه عرض کنم، نزدیک شدن درآمدها به واقعیت است. آنچه در شور اول تصویب شد، نزدیک به ۱۵ درصد کمتر از آن چیزی است که دولت پیشنهاد کرده بود. همچنین پایین آوردن رشد نقدینگی و محدود کردن آن به ۱۵ درصد از دیگر ویژگیهای بودجه ۷۳ است که خود در کاهش رشد نرخ تورم، اثر دارد.

از سوی دیگر کمیسیون مشترک، میزان مالیاتهای شرکتهای دولتی را افزایش داد و با افزایش تعرفه کالاهای وارداتی، به تولیدات داخلی کمک کرد. دولت در بودجه ۷۳، نزدیک به ۳ هزار میلیارد ریال افزایش نرخ خدمات پیش بینی کرده بود که مجلس آن را تقلیل داد و این خود در کاهش نرخ تورم اثر قابل توجهی دارد. تصمیم گیری برای این منظور که تا پایان سال ۷۳، بیش از یک میلیارد و ششصد میلیون دلار از میزان بدهی کشور کاسته شود، از دیگر آثار مثبت بودجه سال ۷۳ است که البته در بند ج ماده واحده پیش بینی بازپرداخت یک میلیارد و ششصد میلیون دلار دیگر از محل مازاد درآمدهای حاصل از نفت پیش بینی شده و با این ترتیب می توان گفت که ما در پایان سال ۷۳ باید شاهد کاهش بیش از ۳ میلیارد دلار از میزان

بدهی های کشور باشیم.

□ مجلس و پژوهش: جناب
آقای نوبخت! جنابعالی در همین
شروع بحث، ظاهراً در این باب
نکاتی دارید...

مهندس نوبخت: من درباره بستی که
بودجه سال ۷۳ در آن قرار می گیرد، علاوه بر
مواردی که همکار ارجمند جناب آقای
مهندس یحوی فرمودند، پنج خصوصیت
می بینم که در بودجه های سنوات گذشته
نبوده است:

اولین مورد این است که اساساً لایحه
بودجه ۷۳ به عنوان سال اول برنامه دوم
توسعه اقتصادی طراحی شده است، در
حالی که ما هنوز برنامه دوم را در مجلس
رسیدگی نکردیم و پیش بینی دولت این بود
که ما قطعاً برنامه را قبل از بودجه بررسی
می کنیم. قاعدتاً باید همین طور هم می شد
در حالی که اینطور نشد و براساس
سیاستهایی که هنوز تصویب نکرده ایم، شور
اول بودجه سال ۷۳ به تصویب رسیده
است! مثل استحصال درآمد ناشی از افزایش
قیمت بعضی از کالاها و خدمات دولت و
اجرای برخی طرحها و پروژه های مشخص
از ناحیه این درآمدهاست که نمونه آن را در
تبصره ۲۵ دیدیم.

ویژگی دوم بودجه سال ۷۳ این است که
قطعاً متأثر از سمت گیریهای برنامه اول
است. این بودجه وارث حدود ۲۸ هزار

میلیارد ریال پروژه نیمه تمام است که قطعاً
ما در تنظیم اعتبارات عمرانی باید تکمیل
این ۲۸ هزار میلیارد ریال پروژه نیمه تمام را
در اولویت قرار دهیم.

ویژگی سوم فضای حاکم بر بودجه سال
۷۳ این است که به خاطر شتابی که در
بازسازی اقتصادی، اجرای پروژه های
زیربنایی و استفاده از منابع خارجی در
برنامه اول منظور شده بود، تعهداتی برای
کشور ایجاد کردیم که سررسید بخش عمده
آن تعهدات هم در سال ۷۳ است. پس باید
در بودجه ۷۳ به بخشی از تعهداتی که قبلاً
ایجاد کرده ایم پاسخ بدهیم که این نیز فشار
خاص خود را بر بودجه سال ۷۳ وارد
می کند.

ویژگی چهارم بودجه ۷۳، شرایط ناشی
از کاهش قیمت نفت است که با یک تحلیل
می شود آن را به عنوان یک اهرم فشار
سیاسی بر نظام تلقی کرد. کشورهای
هفتگانه که در تحلیل ها و جلسات چند ماه
گذشته شان به این نتیجه رسیدند که باز باید
فشار بر ایران را زیاد بکنند و عدم
آمدگی شان برای نشستن و مصالحه و
مذاکره با ما نشان از مسائل سیاسی می دهد
که پایین نگاه داشتن قیمت نفت با توجه به
وضعیت دنیای امروز و بخصوص سرمای
اروپا می تواند یک امر کاملاً مصنوعی
باشد. این موضوع هم در تصمیم گیریهای
بودجه سال ۷۳ کاملاً مؤثر است.

ویژگی پنجم، تغییر آیین نامه است که



بود

شیوه رسیدگی جدیدی برای بودجه سال ۷۳ تدارک دیده است و ما برای اولین بار بودجه سال ۷۳ رابه صورت دو شوری بررسی می‌کنیم. در یک شور درآمدها و در شور دوم هزینه‌ها.

مهندس یحیوی، رئیس
کمیسیون نفت:

* تا پایان سال ۷۳ باید بیش از سه میلیارد دلار از میزان بدهی‌های کشور کاسته شود.

* نزدیک شدن درآمدها به واقعیت، از ویژگیهای بودجه سال ۷۳ است.

* باید روی مسأله «گات» با توجه به شرایط و تحولات آینده برنامه‌ریزی دقیق‌تری داشته باشیم.

* دولت پیشنهاد کرد: بود که نزدیک به سه هزار میلیارد ریال نرخ خدمات افزایش یابد که مجلس آن را تقلیل داد.

در اینکه بودجه با مذاقه و دقت رسیدگی می‌شود هیچ صحبتی نیست ولی آنچه که تجربه به ما نشان داد این بود که کمیسیونهای تخصصی هرکدام برای اینکه سهم بیشتری از این درآمد داشته باشند به دنبال ایجاد درآمد رفتند و به صورت رسمی پیشنهاد افزایش قیمت داشتند که ما می‌توانیم در تبصره‌های ۹ و ۳۸ و آنچه که خود دولت در تبصره ۲۵ آورد، نمونه‌های افزایش قیمت‌های رسمی را ببینیم. یعنی دو شوری شدن بودجه از یکسو در بحث و فحص بودجه بسیار مؤثر بوده ولی از طرف دیگر این تالی فاسد را هم برای بودجه داشته است. چرا که عمدتاً به وسیله خود مجلس و کمیسیونها که در برابر افزایش قیمت رسمی از طرف دولت مقاوم هستند، پیشنهاد افزایش قیمت مطرح شده بود.

قیمت کالاها و خدمات نیز شرایط ویژه‌ای را برای بودجه سال ۷۳ تدارک دیده است به طوری که در سالهای گذشته اغلب کمیسیونها در برابر افزایش قیمت مقاومت

می‌کردند ولی امسال خودشان به دنبال افزایش قیمت‌ها رفتند. به نظر می‌رسد این پنج خصوصیتی که من فهرست آنها را اشاره کردم وضعیت بودجه سال ۷۳ را از بودجه‌های سنواتی کاملاً متمایز و منفک می‌کند و می‌تواند به عنوان ویژگی‌های خاص بودجه ۷۳ تلقی بشود.

□ مجلس و پژوهش: آقای مهندس نبوی! به نظر شما اصلی‌ترین محورهای تعدیل که مجلس در لایحه بودجه ۷۳ تا به حال در بخش درآمدها اعمال کرده چه بوده و بیشترین تعدیل در کدام یک از بخشهای نفت، مالیات و سایر درآمدها صورت گرفته است. همچنین تغییراتی که مجلس برای سقف تعهدات بانکی و بودجه شرکتهای دولتی انجام داده دارای چه کیفیت و کمیتی بوده است؟

آقای مهندس نبوی: اگر اجازه بفرمایید، در مورد فرمایشات جناب آقای نوبخت من یک نکته‌ای دارم، آن را عرض کنم و آن اینکه به نظر من شاید نتوانیم این را که کمیسیونهای تخصصی به دنبال درآمد بودند، یک تالی فاسد بنامیم. این مسأله از یک طرف این مژده را می‌دهد که به هر حال هم دولت و هم مجلس، به نحوی دنبال رها شدن از تکیه بر نفت هستند، و مجلس دنبال پذیرفتن این واقعیت است که قیمت‌ها متعادل بشود. واقعاً من فکر می‌کنم یکی از

فلسفه‌های دولت در پیشنهاد تبصره ۲۵ همین بود که مجلس را با واقعیت قیمت‌ها درگیر بکند و نماینده‌ها به طور ملموس ببینند که اگر بخواهند پروژه‌های بیشتری انجام بشود باید در نرخها تعدیل بشود. اما درآمد نفت، محدود است و باتوجه به شرایطی که اشاره شد، این درآمدها محدودتر نیز شده و در مقابل، تعهدات کشور نیز وجود دارد. اما از آن طرف هم دیدیم که در همان تبصره ۲۵، شاخص اصلی، تعدیل قیمت فرآورده‌های نفتی بود که مجلس به آن رأی نداد.

افزایش قیمت برق نیز چون مکانیزم آن روشن بود و روی طبقات ضعیف و آنها که مصرف کم یا متوسط دارند، فشار نمی‌آورد (یا فشار آن خنثی شده بود) پذیرفته شد. افزایش هزینه‌های مخابرات با نرخ متعادلتر پذیرفته شد ولی چون آثار افزایش نرخ فرآورده‌های نفتی، به طور مستقیم و غیرمستقیم روی زندگی اقشار ضعیف جامعه زیاد بود و مکانیزمی هم برای خنثی کردن آن طراحی نشده بود، لذا مجلس به آن رأی نداد و حتی کمیسیون تخصصی مربوطه هم که نفت بود، با این مسأله مخالف بود. لذا اگر مجلس در مواردی هم سراغ تعدیل نرخها رفت، به نظر من با ملاحظه بعضی جوانب بود. اما اینکه مجلس نیز به سیاست تعدیل نرخها روی آورده، یک حرکت مثبتی است. در مجموع به اینجا رسیدیم که در بودجه و در ترکیب

و آنچه که در جلسه علنی تصویب شد ۷۷۵۵ میلیارد ریال بود. سایر درآمدهای لایحه بودجه هم ۵۰۹۶/۵ میلیارد ریال بود و نهایتاً آنچه که در جلسه علنی تصویب شد مبلغ ۴۴۶۶ میلیارد ریال بود.

درمورد سقف تعهدات بانکی ازنظر کمی و کیفی، آقای مهندس یحیوی اشاره فرمودند. در برنامه دوم که ما هنوز آن را بررسی و پیش‌بینی نکرده‌ایم، رشد نقدینگی در سال به طور متوسط در حدود ۱۱/۷ درصد پیش‌بینی شده در حالی که بودجه‌ای که برای سال ۷۳ پیشنهاد شده بود، رشد نقدینگی را بالای رقم ذکر شده منظور کرده بود.

مجلس، رشد نقدینگی را به ۱۵ درصد محدود کرد. یعنی مانده بدهی بانکها ۷ هزار میلیارد ریال است که سقف آن تعیین شد تا ۴۵ درصد رشد داشته باشد و رشد مانده بدهی ۷ هزار میلیارد ریال که ۴۵ درصدش برای بخش دولتی و ۵۵ درصد آن برای بخش خصوصی است که این رشدی در حدود ۱۵ درصد را برای نقدینگی به همراه دارد (حتی سازمان برنامه با رشد نقدینگی ۱۲ درصد هم موافق بود منتها سهمی برای بخش خصوصی باقی نمی‌ماند، و چون احتمال می‌رفت که کارها با اصطلاح متوقف و قفل بشود مجلس ۱۵ درصد را تصویب کرد)

□ مجلس و پژوهش: باید توجه داشت که در بودجه سال ۷۰ رشد نرخ تورم ۱۰ درصد پیش‌بینی شده بود، اما آنچه که در جامعه اتفاق افتاد، به مراتب از این رقم بالاتر

درآمدها، سهم مالیاتها بیشتر شد و سهم نفت کمتر. یعنی از طرفی مجلس درآمدهای نفت را به واقعی‌تر شدن آنها نزدیک کرد و از آن طرف هم عوارض بر واردات و مقداری نیز بر مالیات شرکتها اثر گذاشت.

از دیگر محورهای اصلی، یک نکته درمورد شرکتها بود که مجلس و کمیسیون مشترک مذاقه بیشتری کردند و تا آنجا که مصلحت بود مالیاتهایی را که امسال برای شرکتها پیشنهاد کرده بودند تا صفر بشود، برگرداندند و برای ذخیره و سرمایه‌گذاری آنها نیز حد قائل شدند و شاید بتوان گفت که بیشترین تعدیل، روی بودجه شرکتها انجام گرفت و اصولاً بنای مجلس این است که دقت بیشتری روی شرکتها بکند چراکه بیشتر اسرافها و بی‌انضباطی‌های مالی در شرکتها جاری است.

پیشنهاد دولت درمورد نفت، ۲۲ هزار میلیارد ریال بود که کمیسیون مشترک پیشنهاد ۱۷ هزار و ۶۵۲ میلیارد ریال را مطرح کرد و همین رقم نیز تصویب شد که معنای آن کاهش ۴۴۴۴ میلیارد ریال شد که معادل دلاری آن از سقف درآمدهای مربوط به نفت حدود ۲ میلیارد دلار می‌شود.

پیشنهاد لایحه بودجه درمورد درآمدهای مالیاتی ۶۴۰۰ میلیارد ریال بود

سال ۷۲ - در یک حالت خوشبینانه - ۴۴ هزار و پانصد میلیارد ریال نقدینگی خواهیم داشت. در حالت بدبینانه (یا واقع بینانه و با مذاقه بیشتر) می شود گفت آنرا ۴۶ هزار میلیارد ریال دیده است. اگر در پایان سال ۷۲ نقدینگی ما ۴۵ هزار میلیارد ریال باشد و مانده تسهیلات بانکی مان در سال ۷۳، هفت هزار میلیارد ریال افزایش پیدا بکند، این تقریباً ما را به همان عدد ۱۵ یا ۱۵/۵ درصد رشد نقدینگی می رساند.

بد نیست در اینجا اشاره بکنیم به این موضوع که اختلاف نظر بین ۴۴ هزار و پانصد یا ۴۶ هزار میلیارد ریال از کجا ناشی می شود. این یک مسأله دقیق مالی است و باید آن را محاسبه کرد. همان طور که برادر عزیزمان آقای نوبخت فرمودند، اگر تعهدات خارجی مان را - که درباره مجموع آن، عددهای مختلفی گفته می شود - ۲۷ میلیارد دلار فرض کنیم، طبیعی است که این تعهدات به افراد، شرکتها و شخصیتهای حقیقی و حقوقی واگذار شده و نرخ ارزی که برای این تعهدات انجام شده، قیمت های متفاوتی دارد و با اصطلاح در آن دلار ۷ تومانی هست و دلار صادراتی، رقابتی، شناور، دلار ترجیحی و انواع واقسام نرخها هم هست. در سال ۷۲ متوسط این نرخ را به این ترتیب پیش بینی کرده بودند که ۵۸ درصد از ارز حاصله را بانک مرکزی براساس هر دلار، ۱۴۵ تومان محاسبه و ۴۲ درصد آن را براساس دلار ۷ تومانی محاسبه نماید و ریالهای آن را به خزانه پرداخت کند و

بود. حال، برای این رقم ۱۵ درصد تا چه حد جای تضمین و اطمینان وجود دارد؟ جناب آقای مهندس باهنر! جنابعالی در این مورد چه فکر می کنید؟

مهندس باهنر: متأسفانه در برنامه اول آنچه که دولت در رابطه با رشد نقدینگی پیش بینی کرده بود، با آنچه در عمل اجرا شد بسیار فاصله داشت. البته یک سری عواملی پیش آمد که پیش بینی نشده بود. مسأله تعدیل در نرخ ارز در این قضیه می تواند بسیار مؤثر باشد و نقدینگی را به سرعت بالا ببرد. در برنامه اول، رشد نقدینگی در حدود ۴ درصد پیش بینی شده بود اما اگر در پایان سال ۷۲ آن را محاسبه کنیم، معدل رشد نقدینگی در پنجساله برنامه اول حدود ۲۵ درصد می شود که اصلاً قابل مقایسه با رقم پیش بینی نیست.

مسأله تنش در قیمت نفت در طول برنامه پیش بینی نشده بود. در برنامه اول متوسط قیمت نفت، ۲۱ دلار دیده شده بود در حالی که از ۱۶ دلار بالاتر نرفت و مسأله دیگر سرعت در تعدیل نرخ ارز بود. در برنامه اول پیش بینی نمی کردیم که در پایان برنامه به نرخ کاملاً شناور برسیم و یا از چند نرخ به لااقل دو نرخ برسیم، اما در سال ۷۲ مسأله تک نرخ را در بودجه سال ۷۲ دیدیم، اینها عواملی است که تأثیر می گذارند.

بانک مرکزی پیش بینی کرد در پایان



میرزا محمد

مهندس محمدرضا باهنر، عضو هیئت رئیسه مجلس:

* مالیات مشاغل، افراد و بخش خصوصی در بودجه سال آینده افزایش نیافته است.

* نقدینگی در سال ۷۳، حدود ۱۵ درصد رشد خواهد کرد.

* برای ایجاد تعادل در بودجه ۷۳، به دنبال کاهش هزینه دستگاههای دولتی هستیم.

* رشد نقدینگی در برنامه اول ۴ درصد پیش بینی شده بود اما میانگین آن در پایان سال جاری ۲۵ درصد بود.

خزانه هم هزینه نماید. در پایان سال به دلیل اینکه بعضی از درآمدهای ما تحقق نیافت، تصمیم گرفتند که در سه ماهه آخر سال این نسبت (۵۸ درصد ۱۴۵ تومانی و ۴۲ درصد ۷ تومانی) به ۹۰ درصد و ۱۰ درصد اصلاح بشود. یعنی ۹ ماه از سال را ما ۵۸ درصد و ۴۲ درصد عمل کردیم و سه ماه آخر سال را ۹۰ درصد و ۱۰ درصد، و براین اساس یک مقدار از کسری بودجه ما پوشیده شد.

اما اگر بخواهیم به صورت دقیق و علمی بودجه ۷۲ را محاسبه کنیم باید بگوییم که هیچ اتفاقی نیفتاد مگر اینکه کسری ما به تأخیر افتاده و پنهان شد. براین اساس، امسال یک مسأله جدیدی را در بودجه مطرح کردیم و آن حساب ذخیره تعهدات ارزی در تبصره ۲۲ است. مجلس در بودجه سال ۷۳ با توجه به میزان دلاری که از نفت حصول خواهد شد، تصویب کرد که حدود ۱/۶ میلیارد دلار از تعهدات خارجی مان در سال ۷۳ کم شود. دولت پیش بینی یک میلیارد دلار کاهش کرده بود ولی مجلس روی ۱/۶ میلیارد دلار با نرخ ۷ تومان در بودجه ریالی حساب کرد و مابقی درآمد را که حدود ۹ میلیارد دلار است براساس نرخ ۱۷۵ تومان محاسبه نمود. همان طور که آقای نوبخت فرمودند،

حدود ۲۵۰ یا ۳۰۰ تومان باشد. باز مابه‌التفاوت این ۱۹۰ تومان یا ۲۰۰ تومانی که امروز دلار را داریم هزینه می‌کنیم و آن زمانی که دلار را باید بپردازیم، یک بودجه پنهانی است که به نظام مالی ما تحمیل می‌شود.

این را تابحال در حسابها نمی‌دیدند، اما امسال مسأله حساب ذخیره تعهدات ارزی از این بابت مطرح شد تا سال آینده این حساب در بانک مرکزی باز بشود و اگر درآمد اضافی ریالی از این بابت به دستمان می‌رسد به این حساب واریز بکنیم تا بتوانیم در زمان پرداخت تعهدات، این ریالها را محاسبه کنیم و این کسری پنهان را آشکار کنیم.

البته این نکته را فراموش نکنیم که عمده مصرف‌کنندگان ارز، دستگاههای دولتی هستند. درست است که ما متعهد می‌شویم در زمانی که سررسید تعهدات مان برسد به نرخ روز پول را بپردازیم، ولی آن موقع دستگاه دولتی از خزانه پول می‌خواهد تا این تعهدات را بپردازد.

یعنی در هر صورت بدهی دستگاههای دولتی به تأخیر می‌افتد و آن موقع باید این پول را از خزانه بگیرند، مگر اینکه ما این امید را داشته باشیم که تا آن موقع این دستگاه دولتی را از بدنه دولت جدا بکنیم. این امکانپذیر نیست و عمده این تعهدات را باز باید خود دولت بپردازد.

اگر اجازه بفرمایید من یک نکته دیگر را

سال آینده هم ما باید مقدار زیادی از درآمدهای دلاری خودمان را صرف پرداخت تعهدات قبلی بکنیم. تعهدات ما ممکن است در مجموع عدد قابل قبولی باشد اما تراکم آنها در سال ۷۲ و ۷۳ بودجه ما را بسیار تحت‌الشعاع و تحت تأثیر قرار داد و آن ۱۰ میلیارد دلار معوقه سال ۷۲، موضوع خوبی نبود. در سال ۷۳ هم، تعهدات ارزی سررسید شده بالایی داریم. شاید حدود ۶ میلیارد دلار از تعهداتمان در سال ۷۳ سررسید می‌شود و باید پرداخت کنیم و این غیر از آن مقدار دلاری است که بابت این ۱۰ میلیارد دلار معوقه سال ۷۲ باید در سال ۷۳ بپردازیم. بنابراین ما در سال آینده ۲/۵ میلیارد دلار پول نقد بیشتر نداریم.

البته چون گفتیم تعهدات ما ۱/۶ میلیارد دلار کاهش پیدا می‌کند، می‌توانیم هر مقدار از سررسید تعهداتمان را که پرداخت کردیم از ۱/۶ میلیارد دلار آترکم کنیم و سپس تعهد جدید ایجاد کنیم.

اما یک اتفاق ظریف که در اینجا می‌افتد این است که ما سال آینده هر مقدار تعهد جدید ایجاد کنیم، براساس نرخ شناور خواهد بود. مثلاً الان اگر نرخ ۱۷۵ تومان است و متوسط آن مثلاً ۱۹۰ تومان می‌شود، براساس این، تعهد جدید ایجاد می‌کنیم و پول ریالی آن را خرج می‌کنیم. زمانی که سررسید می‌شود که سه یا چهار سال دیگر است آن زمان نرخ شناور ارز ممکن است یک عددی - فرض کنیم -

مثل تبصره ۲۵ و افزایش فرآورده‌های نفتی و امثالهم می‌تواند جبران کند. ما فکر می‌کنیم که دولت هم به دلیل حرکت به طرف خصوصی سازی و کوچک کردن بدنه دولت و اصلاح ساختار اداری، باید قبل از افزایش قیمت‌ها، به دنبال کاهش هزینه‌ها باشد.

در اینجا می‌خواهم یک نکته مهم و کلیدی دیگر را توضیح بدهم. آقای مهندس نبوی فرمودند که ما سهم مالیات را در بودجه سال آینده به نسبت سهم نفت افزایش دادیم. اما مردم باید این را بدانند درست است که ما مالیات‌ها را افزایش دادیم اما سعی کردیم این مالیات‌ها عمده‌تاً بر دستگاه‌های دولتی تحمیل بشود.

یعنی مالیات مشاغل و مالیات افراد و مالیات بخش خصوصی را در بودجه سال آینده افزایش ندادیم. گردش پولی شرکت‌های دولتی در سال، حدود ۶۰ درصد کل کشور و ۴۰ درصد گردش پولی دولت است. شرکت‌های دولتی با این گردش عظیم نقدینگی که در درون خودشان انجام می‌دهند، متأسفانه سهمی را که از مالیات بعهده می‌گرفتند و می‌گیرند، قابل ملاحظه نیست. چراکه براساس مسأله توسعه، سرمایه‌گذاری و اندوخته سرمایه برای توسعه و این قبیل مسائل، از پرداخت مالیات معاف می‌شوند. البته قانونی هم بود و ما روی این مسأله انگشت گذاشتیم و سعی کردیم که مالیات‌های حقه را از شرکت‌های دولتی بگیریم.

نکته دیگری که روی آن فشار آوردیم،

هم در رابطه با مباحث قبلی عرض کنم و آن این که شما بحث تعادل برنامه‌ای و بودجه را مطرح کردید. ما تعادل بودجه را جزئی از تعادل در عرضه کل و تقاضای کل در جامعه می‌دانیم و در سیاست تعدیل یکی از اهداف این است که عرضه کل و تقاضای کل با هم برابری کنند. به نظر می‌رسد که دستگاه‌های دولتی برای اینکه این تعادل را بوجود بیاورند، عمده‌تاً در فکر افزایش نرخ‌ها هستند! یعنی فرض کنیم یک دستگاه تولیدکننده پودر لباسشویی و یا خدمات دهنده اینها برای اینکه به تعادل درآمد و هزینه برسد، راه کار و نسخه درد مسأله را در افزایش قیمت‌ها می‌داند. ما این مسأله را اقرار می‌کنیم که چاره‌ای غیر از این نیست، اما قبل از افزایش قیمت‌ها ما به یک مسأله دیگر معتقدیم و آن کاهش هزینه‌هاست که تقریباً اختلافی بین دستگاه‌های اجرایی و مجلس در مورد آن، وجود دارد. ما برای ایجاد تعادل در بودجه سال ۷۳ دنبال کاهش هزینه دستگاه‌های دولتی هستیم که کمیسیون بودجه به کمیسیون‌های تخصصی ابلاغ کرده بود که در سال آینده شما باید ده درصد هزینه‌هایتان را کاهش بدهید. اما دولت فکر می‌کرد و بر این باور بود که این ده درصد کسری بودجه را از طریق تبصره‌های بودجه

و تمام سمت‌گیرها و کوششها در جهت بالا بردن راندمان و پایین آوردن هزینه‌هاست. در نظام دیوانسالاری ما (به تعبیر زیبایی مهندس باهنر) حرکت به گونه‌ای است که هر روز هزینه‌ها را افزایش می‌دهد و این یک تأثیر تسلسلی بر روی مجموعه اقتصاد دارد.

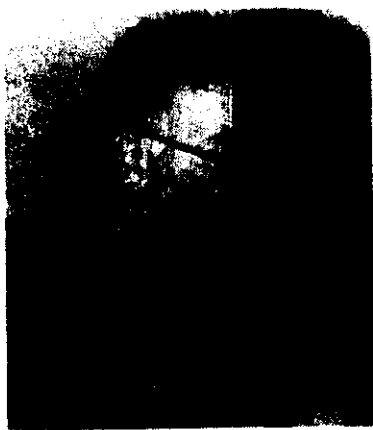
مقوله دیگر، بحث مالیات است. تشخیص مالیات نادرست و وصول آن توسط سیستم پوسیده و بجا مانده از دوران «مستوفی الممالک‌ها» درست است که درآمد دولت را بالا می‌برد، ولی قطعاً شکوفایی و توسعه را پایین می‌آورد. این می‌تواند جزء تأثیرات جنبی منفی باشد. امسال تعهد مالیاتی را متوجه شرکتهای دولتی کرده‌ایم ولی آنچه که در عمل اتفاق خواهد افتاد به لحاظ تجربه‌ای که از این سیستم داریم چیست؟ یک نکته دیگر اینکه ما با نظام جهانی تجاری‌ای مواجه هستیم که در آنجا «گات» در حال توسعه است و در آن نظام، دیوارهای تعرفه هر روز پایینتر و پایینتر کشیده می‌شود و مزیتها عرصه جولان بیشتری می‌یابند.

مقوله سوم اینکه، ما چه سناریویی برای توسعه صادرات غیرنفتی باید داشته باشیم؟ می‌دانیم که هر چه دیوار تعرفه بالاتر می‌رود توان ما برای

مسأله حقوق گمرکی است. فشار گمرکی هم بر اساس سیاستهای عمومی برنامه است که در برنامه دوم ما فکر می‌کنیم که باید یک حمایت خیلی خوب و جدی از تولیدات داخلی در مقابل واردات خارجی بکنیم و یکی از اهرمهای بسیار خوب و طبیعی در این مورد افزایش تعرفه‌ها است و می‌شود این سیاست را اعمال کرد.

یک نکته دیگر اینکه دستگاههای دولتی توقعشان این است که می‌گویند ما هزینه‌هایمان حداقل باید به اندازه تورم سالیانه افزایش پیدا کند. در حالی که ما توان لازم را برای اینکه بتوانیم بخش خصوصی، مردم و حقوق‌بگیرها را متناسب با تورم رشد بدهیم و درآمدی که نصیبشان می‌کنیم قادر به جبران تورم باشد، نداریم. و این توقع نابجایی است که دستگاههای دولتی از ما دارند که ما هزینه‌هایشان را به اندازه تورم افزایش بدهیم. ما سعی کردیم در بودجه سال ۷۳ یک نشانه‌هایی از این قضیه را بگنجانیم و انشاءالله اینها برای برنامه دوم سیاستهای پایه‌ای باشد.

□ مجلس و پژوهش: بودجه ۷۳ در مجلس از نگاهی متفاوت برخوردار بود. در پیشینه تاریخ تقنینیه ایران، مشابهی برای چنین نشاط و برخورد سازنده و پیراینده نمی‌شناسیم. نکته دیگر اینکه واقعیت این است که ما در دنیای امروز مفهومی به نام بهره‌وری داریم



مجلس و پژوهش

حضور در بازارهای جهانی به طور طبیعی کمتر می‌شود و بر توسعه ما اثر می‌گذارد. جناب آقای مهندس یحیوی! نظر شما چیست؟

مهندس سیدمرتضی نبوی، عضو کمیسیون امور اقتصادی و دارایی:

* چون آثار افزایش نرخ فرآورده‌های نفتی به طور مستقیم و غیر مستقیم روی زندگی اقشار ضعیف جامعه زیاد بود و مکانیزمی هم برای خنثی کردن آن در لایحه بودجه پیش‌بینی نشده بود، لذا مجلس

به آن رای نداد. کتابخانه فیضیه

* ۵۵ درصد تسهیلات بانکی پیش‌بینی شده در بودجه ۷۳ برای بخش خصوصی است و ۴۵ درصد آن برای بخش دولتی.

* در ترکیب درآمدهای بودجه، سهم مالیاتها افزایش و سهم نفت کاهش یافته است.

آقای مهندس یحیوی: در رابطه با اشاره نخست‌تان باید عرض کنم که آنچه که در رابطه با بررسی بودجه سال ۷۳ در ذهن نمایندگان بیشتر از هر چیز دیگر مطرح بود، توجه به رهنمودهایی بود که مقام معظم رهبری داده بودند و دولت هم سعی کرده بود تا اندازه‌ای در این جهت اقداماتی به عمل بیاورد. مجلس هم سعی کرد مسائل را در این جهت شکل بدهد و تغییر و تبدیل‌هایی را که می‌خواهد صورت بدهد بیشتر نشأت گرفته از این طرز فکر و ذهنیت نمایندگان محترم مجلس و کمیسیونها باشد.

یکی از مسائل، کاهش وابستگی به درآمد نفت بود که ارقام آنرا برادران دیگر فرمودند. سعی مجلس این بود که آن روند را دنبال بکند. در ارقامی که دولت ارائه کرده بود، وابستگی درآمد کشور به نفت، ۶۶ درصد بود که مجلس در دور اول بررسی که سقف درآمدها را مشخص کرد، آن را به ۵۸/۵ درصد تقلیل داد، اما ارقام درآمدهای مالیاتی را که دولت رقمی در حدود ۱۹/۶

درصد پیشنهاد کرده بود، به ۲/۲۶ درصد رساند.

البته همان طور که آقای مهندس باهنر اشاره کردند این سیاست از آن رو اتخاذ شد که مالیات، بیشتر از شرکتهای دولتی که تاکنون از معافیت خاصی برخوردار بودند اخذ شود. یا در رابطه با تبصره ۲۹، وقتی که مجلس مسائل را مطرح می کرد، گرفتاریهای طبقات کم درآمد را مد نظر داشت تا مقدار ارز مورد نیاز برای کالاهای اساسی را در حد مقدور افزایش بدهد و از ۶۹۰ به ۷۰۰ میلیون دلار برساند. یا سهم دارو را از حدود ۳۰۰ میلیون دلار به ۴۰۰ میلیون دلار افزایش دهد و یا رقم ارز دانشجویی که از قلم افتاده بود را مد نظر قرار دهد. در رابطه با تبصره ۲۵ نیز که دولت پیشنهاد افزایش قیمت داده بود، مجلس با توجه به این که این تبصره می تواند فشار بیشتری را متوجه طبقات کم درآمد بکند، دو جهت گیری در این زمینه داشت:

در رابطه با برق این پیشنهاد را به تصویب رساند که برای خانواده هایی که مصرفشان معمولی است - که شاید بیش از ۸۰ درصد خانواده ها را شامل شود - و مصرف ماهانه آنها کمتر از ۵۰۰ کیلو وات در ساعت است، همان قیمت سال ۷۲ منظور گردد و آنها که تا ۷۵۰ کیلو وات مصرف می کنند برای مازاد مصرف از ۵۰۰ کیلو وات به بالا، کیلوواتی ۸۰ ریال - قیمت تمام شده بپردازند - و آنهایی که

صرفه جویی شان کمتر است و شاید اسراف می کنند و ۷۵۰ تا یک هزار کیلووات مصرف دارند باید نرخ متوسط کیلوواتی ۸۰ ریال بپردازند و آنهایی که از هزار کیلووات به بالا مصرف می کنند، قیمتی بیشتر از قیمت تمام شده بپردازند تا از طریق آن مبلغ اضافی، بتوان برای حمایت از اقشار کم درآمد و کاهش هزینه های آنها اقداماتی انجام داد. مجلس در رابطه با نرخ برق کشاورزی هیچ تغییری را نپذیرفت و برای صنعت هم گروه بندی کرد و باین ترتیب خواست که رعایت عدالت هم شده باشد. در رابطه با مسأله مواد سوختی و نفت هم کسانی معتقد بودند که بالاخره باید این روند تغییر قیمت انجام بشود. از طرف دیگر هم برای این که فشاری روی طبقات محروم نیاید، بخش عمده ای از نمایندگان نامه ای خدمت محترم ریاست جمهوری تهیه کردند که ما به این شرط اجازه افزایش نرخ را به دولت محترم می دهیم که نسبت به آن فشاری که می تواند روی دوش افراد کم درآمد بیاید، چاره اندیشی بکند. بنابراین یکی از جهت گیریها آن بود که ما مسأله عدالت اجتماعی را به نحوی در سیاست گذاری هایمان ملحوظ بکنیم.

مورد دیگر در رهنمودها، مسأله ریخت و پاشها یا جلوگیری از هزینه هایی بود که می تواند نابجا باشد. در این زمینه اولاً در کمیسیونها و در سطح مجلس نظر نمایندگان این بود که ما بتوانیم مثلاً در نحوه

باشیم باید برای این سیستمی که از کارایی خوبی هم برخوردار نیست خرج بکنیم و طبیعی است که در این رابطه حتماً فکری بشود. منتها در بررسی بودجه ۷۳ این زمینه برای مجلس محترم وجود نداشت و غیر از این که با یک راه‌حلهای مقطعی، جهت گیری‌هایی را اعمال بکند چاره‌ای نبود. از جمله این که با توجه به این که ما درآمد‌هاییمان کاهش یافته بود از دستگاه‌های مختلف خواستیم تا آنجایی که مقدور است هزینه‌هایشان را کاهش بدهند. وقتی این هزینه‌ها را کاهش می‌دهند خواهی ناخواهی دولت و دستگاه‌های مربوطه به فکر جمع و جور کردن تشکیلات اداری خواهند افتاد. یا در رابطه با شرکتها، ما معتقد بودیم بعضی وقتها باز بودن دست شرکتها باعث می‌شود که هزینه‌ها با دقت انجام نشود. از این جهت سعی کردیم در مورد نحوه کار شرکتها، مقررات جدیدی را از طریق قانون بودجه اعمال بکنیم که به گوشه‌ای از آنها اشاره کردم.

البته من هم معتقدم که متأسفانه توان صنعتی مناسبی نداریم و باید روی این مسأله دقت کافی بشود. الان خیلی از تولیدات ما قدرت رقابت با تولیدات خارجی را ندارند. اگر مسأله تعرفه‌ها وجود نداشته باشد و مسأله بعضی از جلوگیری‌ها ممنوعیتها از واردات بعضی از کالاها را در نظر بگیریم، طبیعتاً صنایعی که ما سعی می‌کنیم آنها را روی پای خودشان نگاهداریم و در این جهت حرکت بدهیم که نواقص گذشته‌شان را رفع بکنند، اینها

کار شرکتها تجدید نظر بکنیم. معافیهای مالیاتی که داشتند، ملغی بشود و در استفاده از تسهیلات بانکی هم سیاستگذاری به نحوی باشد که بخش خصوصی بهتر بتواند منتفع بشود که اعداد و ارقام برادران ارائه دادند.

جلوگیری از واردات بی‌رویه مورد دیگر بود و مجلس تعرفه‌های گمرکی را که از طرف دولت برای واردات در سطح ۸ درصد پیشنهاد شده بود، رقم ۱۶ درصد را تصویب کرد تا بتواند زمینه کاهش رقابت کالای وارداتی را با تولید داخلی فراهم سازد. همان طور که اشاره کردم با توجه به محدودیت وقت، ما معتقدیم که مجلس باید یک کار اساسی را با همفکری دولت محترم در رابطه با جهت‌گیری‌های برنامه دوم پنجساله و انشاءالله انطباق هر چه بیشتر آن با مفاد رهنمودهای مقام معظم رهبری، داشته باشد. تا بتوانیم شاهد کاهش بعضی از مشکلات موجود باشیم. همان زمان که ما به فکر تجدید نظر در نرخ ارز افتادیم، طبیعی بود که هزینه‌های دولتی را با سرعت افزایش می‌داد، بخصوص که تشکیلات اداری گسترده‌ای داریم و اگر در این جهت چاره اندیشی نکنیم قطعاً به بن‌بست می‌رسیم. برای این که هر چه درآمد داشته

می‌تواند روی بودجه داشته باشد. ما از گوشه و کنار می‌شنیدیم که می‌گفتند خصوصی‌سازی در بودجه ۷۳ جای پای روشن و واضحی ندارد. الان وقتی به این رقم نگاه می‌کنیم سوال می‌کنیم که آیا واقعاً دولت آمده تا این ۲۸ هزار میلیارد ریال را وسط بگذارد و بگوید می‌خواهم روی این موضوع کار کنم که چقدر از پروژه‌ها را می‌شود به بخش خصوصی داد؟ درست است بخش خصوصی نمی‌آید پروژه اراک را بخرد. چرا که پروژه را بخش خصوصی می‌تواند با نصف این قیمت‌ها تمام کند.

آقای دکتر زالی! برای این که بتوانیم تعادلی بین درآمد و هزینه ایجاد بکنیم، بودجه ۷۳ چه پیش‌بینی‌هایی برای آن می‌خواهد بکند؟

آقای دکتر زالی: به نکته جالبی اشاره کردید و خوب است که در مورد ۲۸ هزار میلیارد ریال کار نیمه‌تمام که اشاره فرمودید، پردازم و اصلاً ببینیم چطور این بوجود آمده است. چرا ما این همه کارهای نیمه تمام داریم بدون این که بودجه‌ای برای تکمیل آنها داشته باشیم. این بحثی است که ما در دو سال گذشته در موقع بحث بودجه داشتیم. تمام اصرار ما بر این بوده است که دولت درآمدها را واقعی ببیند و سفره‌ای را

نمی‌توانند با صنایع خارجی که سالهای زیادی را پشت سر گذاشته‌اند رقابت بکنند. و به همین دلیل من فکر می‌کنم که در مورد مسأله «گات» با توجه به شرایط و تحولات آینده باید برنامه‌ریزی دقیق‌تری داشته باشیم و به همین دلیل فعلاً آن را به عنوان یک تأمل خاص در بودجه ۷۳ مورد توجه قرار ندادیم ولی البته برای آینده حتماً برنامه‌ریزی باید داشته باشیم. حتی من معتقد هستم در رابطه با کالای کشاورزی الان در آن موقعیت نیستیم. خیلی از کشورهای دیگر می‌توانند به سادگی با ما از نظر تولیدات کشاورزی رقابت بکنند. برای این که آنها آن مشکلات اولیه را که ما الان در پیش رو داریم پشت سر گذاشته‌اند و تولیداتشان می‌تواند اقتصادی‌تر از تولیدات ما باشد. باید در بودجه سال ۷۳ و در برنامه دوم مسأله حمایت از تولیدات داخلی را به صورت‌های مختلف منظور بکنیم تا صنایع داخلی قوت لازم را به دست آورند. البته باید سیاست‌گذارها هم طوری باشد که صنایع داخلی نیز ملزم به افزایش در بهبود کیفیت کالای خودشان باشند تا در آینده ضمن رقابت با کالای وارداتی بتوانند زمینه صدور کالاهای تولیدی به خارج را فراهم بکنند.

□ مجلس و پژوهش: آقای نوبخت به ۲۸ هزار میلیارد ریال پروژه نیمه‌تمام اشاره کردند که رقم بسیار بزرگی است. این چه بازتابی



بودجه

مهندس محمد باقر نوبخت
حقیقی، عضو کمیسیون امور
برنامه و بودجه:

* لایحه بودجه سال ۷۳ به عنوان
سال اول برنامه دوم توسعه
طراحی شده بود در حالی که
هنوز برنامه دوم در مجلس
رسیدگی نشده است.

* بودجه ۷۳ وارث ۲۸ هزار
میلیارد ریال پروژه نیمه تمام
است.

* موعد باز پرداخت بخش عمده
تعهداتی که به خاطر شتاب
برنامه اول در بازسازی اقتصادی،
برای کشور ایجاد شده، سال ۷۳
است.

که پهن می‌کند به اندازه درآمدهایش باشد. ما به طور مرتب این را متذکر شدیم. شما موقعی که درآمد را غیر واقعی می‌بینید، نتیجه آن می‌شود که الان، نزدیک پایان سال ۷۲ است و ما در حال پرداخت ۶۵ درصد بودجه‌های عمرانی را هستیم و این ۶۵ درصد پرداخت کردن یعنی تمام آن سفره‌ای که ما گسترده‌ایم، فقط هزینه‌های جاری طرح‌هاست و هیچ نوع پیشرفتی برای جلو بردن عملی پروژه‌هایمان نداشته‌ایم. این طبیعی است، الان برای ۲۸ هزار میلیارد ریال نمی‌شود کاری کرد و سال آینده این رقم به مراتب بیشتر خواهد شد. برای این که ما هر روز می‌آییم قبل از این که طرح‌های قدیمی‌مان را تمام بکنیم طرح جدیدی را شروع می‌کنیم و با یک بودجه واهی برنامه‌ریزی می‌کنیم و طرح‌هایی را پیش‌بینی می‌کنیم. پس قطعاً هر سال با چنین مواردی برخورد می‌کنیم. برای این که این طرح‌هایی را که شروع کردیم به صورت ناتمام باقی مانده است. آن وقت می‌گوییم به خاطر این که بودجه‌اش تأمین بشود بیاییم ایجاد درآمد بکنیم. اولین جایی هم که برای ایجاد درآمد پیش رو داریم افزایش قیمت محصولات است. یعنی به جای اینکه هزینه‌های زائد را کاهش دهیم،

زورمان به مردم می‌رسد.

حالا در این افزایش قیمت ما بایستی ببینیم که توان و تحمل مردم چقدر است. بسند الف تبصره ۲۵ برای پروژه‌هایی پیش‌بینی شده بود که اگر درآمدش تحقق پیدا بکند، صرف ادامه و تکمیل آن پروژه‌ها می‌شد. تمام آنها نیز پروژه‌های خوب و واقعی است. ولی ما تا چه اندازه می‌توانیم به مردم تحمیل بکنیم. ما کشورهای دیگر را می‌بینیم که درآمدهای مالیاتیشان کار آنها را می‌گرداند. منتها قبل از این که این درآمدهای مالیاتی که فشار بر مردم است تعیین و مقرر بکنند، منابع درآمد برای مردم‌شان ایجاد می‌کنند تا به راحتی بتوانند آن مالیاتها را پرداخت بکنند. ما الان می‌آییم روی نفت نزدیک به ۷۰-۸۰ درصد سوبسید پرداخت می‌کنیم. بنزین برای ما الان حدود لیتری ۳۲ تومان تمام می‌شود و آنرا ۵ تومان می‌فروشیم و گازوئیل را بهمین ترتیب ۱۰ - لی ۱۵ ریال می‌فروشیم. نفت سفیدمان به همین ترتیب است. ولی در کشورهای دیگر می‌آیند نزدیک به پانصد درصد قیمت تمام شده فرآورده‌های نفتی را مالیات می‌بندند، در انگلیس، فرانسه، مالیاتی معادل ۳۰۰ یا ۴۰۰ و ۵۰۰ درصد روی قیمت تمام شده مالیات می‌بندند و از مردم می‌گیرند اما فشاری بر مردم نیست برای این که قبلاً منابع درآمدی برای مردم بوجود آمده است.

البته باید بین برداشتن سوبسیدها و

افزایش قیمت، تفاوتی قائل بشویم. ما موقعی که می‌گوییم افزایش قیمت مثل اتومبیلهایی که الان دارند قیمتش را روزبه روز بدون هیچ حساب و کتابی بالا می‌برند و چون عرضه با تقاضا برابری نمی‌کند، روزبه روز قیمت را بالا می‌برند و داد مردم هم به هیچ کس نمی‌رسد. این یکنوع افزایش قیمت است. دیگر اینکه دولت الان دارد از بیت‌المال پولی را به عنوان سوبسید پرداخت می‌کند و می‌خواهد این سوبسید را کم کم برای جبران بعضی از هزینه‌هایش بردارد. یعنی می‌خواهد پولی را که از بیت‌المال بابت سوبسید می‌دهد، برای پرداخت هزینه‌هایش صرفه‌جویی بکند. و ما می‌بینیم الان سوبسید روی کالاها، ناعادلانه‌ترین شکل صرف بیت‌المال است. ما روی کالایی سوبسید می‌دهیم که بیشترین مصرف‌کننده آنها گروه مرفه جامعه است. در نتیجه ما می‌آییم از بیت‌المال به آن کسی که بی‌نیازتر است بیشترین مبلغ را می‌دهیم و آن کسی که نیازمند است کمترین مبلغ را می‌گیرد. این حذف سوبسید و افزایش قیمتی که روی این جور کالاها است، در واقع برداشتن قدمی در جهت عدالت اجتماعی است. ولی بایستی به کیفیتی عمل بشود که مردم توان تحمل آنرا داشته باشند. آنهایی که بحث لیتری ۸ تومان را برای قیمت بنزین داشتند، یا این که از بسند الف دفاع می‌کردند که تصویب بشود معتقد بودند که این باری را

مردم واگذار بکنند. من تصور می‌کنم آن موقع ما شاهد این نخواهیم بود که کارخانجات کالا را مطابق با ذوق خودشان به هر قیمتی که بخواهند بفروشند و جبران سوء مدیریتها و مشکلاتی که در ساختارشان وجود دارد را، بخواهند با افزایش قیمت جبران کنند اما فشارش بر دوش مردم باشد. ولی تا الان چقدر توفیق پیدا کردیم؟ به اقرار خود دستگاههای اجرایی هیچ. ما آرزو می‌کنیم روزی را که این خصوصی‌سازی به روش صحیحی تحقق پیدا کند.

□ مجلس و پژوهش: جناب آقای مهندس باهنر! جنابعالی در خصوص سؤالی که مطرح کردیم و این داستان ۲۸۰۰۰ میلیارد ریال پروژه‌های نیمه‌تمام و روشهای دیگر کاهش سنگینی آن از دوش دولت نظری دارید؟

آقای مهندس باهنر: در یک کلمه باید خدمتتان عرض کنم که متأسفانه ما امیدمان این بود و هنوز هم هست که با کنترل هزینه‌ها و واقعی دیدن درآمدها، بخشهای اجرایی مملکت خودشان مسأله استفاده بهینه از این بودجه را مطرح بکنند و بتوانیم به کمک همدیگر پروژه‌ها را اولویت‌بندی کنیم. البته برای همه پروژه‌ها هم نمی‌توان یک نسخه واحد نوشت. بعضی‌ها معتقدند پروژه‌هایی را که کارهای انجام‌شده‌شان زیر ۲۰ درصد است، رها کنیم، ولی نمی‌شود برای همه اینها یک نسخه واحد نوشت.

که روی دوش مردم دارد، سرانه ۵ هزار تومان است. این یک رقم و عدد روی کاغذ است. اگر این افزایش قیمت باعث افزایش حمل و نقل به میزان ۲۰ درصد بشود. از فردا پنیر ۴۰۰ تومانی را به شما ۵۰۰ تومان می‌دهد. چنین اقداماتی قبل از این که بررسی شده باشند و توان مردم را برای مقابله تجهیز کرده باشند اصلاً صلاح نیست. به اعتقاد بنده درآمدهایی که ناشی از افزایش قیمت است، هیچ کمکی به پیشرفت پروژه‌ها نمی‌کند. شما ببینید برای پروژه‌های وزارت نفت به صورت عام ما بیشتر به دلار نیاز داریم. شما فرض کنید با بالا بردن قیمت خدمات یا برداشتن سوبسید و واقعی کردن قیمت خدمات ممکن است بتوانیم یک مقداری ریال به درآمدهایمان اضافه بکنیم، منتها این ریالها را شما چطور می‌خواهید تبدیل به ارز بکنید و تجهیزات مورد نیاز این پروژه‌ها را تهیه کنید؟

در مورد خصوصی‌سازی که اشاره فرمودید، به اعتقاد من دولت بایستی کار ستادی بکند و از تصدی امور بپرهیزد. بایستی تا آنجا که امکان دارد کارهای اجرایی را از خودش مستترع بکند و وزارتخانه‌ها به سیاستگذاری در امر بخشهای مختلف پردازند و کار اجرا را به

بودجه جاری و عمرانی چگونه است و آیا فکر می‌کنید نسبت موجود، نسبتی سالم و منطقی است؟ مجلس برای بهبود این نسبت چه نقطه نظراتی داشته است؟

آقای مهندس نبوی: اگر اجازه بدهید من یک جمله در مورد سؤال قبلتان عرض کنم. من فکر می‌کنم، اگر یک مقدار از کارهای زیربنایی که دولت انجام داده و می‌دهد به انجام برسد، زمینه‌های زیادی برای فعالیت بخش خصوصی آماده می‌شود. اصولاً یک سری از کارهای زیربنایی برای بخش خصوصی از نظر منافع اولیه صرف ندارد که وارد آن بشود، اما وقتی بستر آن آماده شد، آن وقت صرفه اقتصادی خواهد داشت. مثل پتروشیمی.

سؤال کردید که در بودجه چکار شده است، در بودجه ۷۳ فکر می‌کنم تنها قدمی که برداشته شد این بود که در تسهیلات بانکی پیش‌بینی شد که ۵۵ درصد آن برای بخش خصوصی باشد و ۴۵ درصد برای دولت. شاید یک تصور اشتباه در دولت و شاید در بین بعضی از نمایندگان هم باشد که فکر می‌کنیم بانکها مال خودمان، یعنی مال دولت است و لذا می‌آییم روی تسهیلات بانکی که پول مردم است و باید صرف سرمایه‌گذاری مردم بشود، برنامه می‌ریزیم و بودجه تنظیم می‌کنیم. دولت می‌گوید مال خودمان است، و برای این که

کمیسیونهای تخصصی شاید بتوانند در این زمینه به کمیسیون برنامه و بودجه کمک کنند. اما عمده کمک را سازمان برنامه و بودجه می‌تواند بکند.

اطلاع دارید که لایحه بودجه وقتی به مجلس می‌رسد، بیش از صد هزار نفر نیرو روی تنظیم آن کار کرده‌اند. شورای بخش استانها، کمیته‌های برنامه‌ریزی و کمیته‌های کارشناسی مختلف کار می‌کنند تا آن را آماده کنند، اما مجلس برای این که آنرا متحول کند، نیاز به یک بدنه کارشناسی حجیم و با کیفیت بالا دارد که متأسفانه این مسأله هنوز تدارک دیده نشده است. البته مرکز پژوهشهای مجلس کارهای خوبی را شروع کرده و از نظرات کارشناسی دستگاهها و نیروهای دانشگاهی استفاده‌های خوبی می‌کند اما فکر می‌کنم هنوز تا آن زمان که این کمبود جبران بشود فاصله زیادی داریم. ما امیدوار بودیم هنگامی که هزینه‌ها را محدود می‌کنیم، دستگاههای اجرایی هم برای این که به سمت استفاده بهتر از درآمدها حرکت کنیم به ما کمک می‌کنند، اما اگر در برنامه دوم بنا باشد مجلس به تنهایی این کار را انجام بدهد و همکاری صمیمانه دولت را همراه نداشته باشد، خدا عالم است که چقدر بتوانیم توفیق داشته باشیم.

□ مجلس و پژوهش: آقای مهندس نبوی! سؤال ما از جنابعالی این است که در بودجه ۷۳ نسبت



بودجه

کسر بودجه صفر باشد، در بودجه تکلیف می‌کند، در مجلس هم تصویب می‌شود که شرکتها بروند از بانکها برای سرمایه‌گذاریها وام بگیرند. خلاصه این قدمی که مجلس برداشت - و انشاءالله که باقی بماند - تنها قدمی بوده که برداشته شده است. واقعیت این است که باید این تسهیلات بانکی برای بخش خصوصی آزاد بشود تا برای سرمایه‌گذاری مصرف‌گردد. باید بانکهایمان از این وضع دولتی که اکنون دارند خارج بشوند و همین طور بیمه که قبلاً اشاره شد. مجلس در نظر دارد در مورد اصلاح نظام اداری که در بودجه نگریسته نشده، در سال ۷۳ مستقلاً کار کند. به نظر من خصوصی‌سازی قانونمند نیست، مکانیزمهای اجرایی آن طراحی نشده و در بودجه هم ما کاری برای این مسأله نکردیم. هر ساله هم در تبصره‌ها پیش‌بینی می‌کنیم که مثلاً سازمان گسترش صنایع ملی، واگذاری را انجام بدهد، ولی این کار انجام نمی‌شود. علت آن نیز همین ضعفی است که وجود دارد و مثلاً ارقامی را می‌شنویم یا می‌بینیم مبنی بر این که ۶۰ درصد عملکرد امسال بورس، مربوط به دولت و بانکها بوده است!

اما در مورد نسبت بودجه‌های جاری و

دکتر عباسعلی زالی، نائب رئیس کمیسیون امور برنامه و بودجه:

* اگر با سیاستگذاری صحیح، مسیر حرکت مردم را بیشتر هموار کنیم، قطعاً تواناییهای بسیار خوب آنان که در جبهه و جنگ برای ما کارساز بود، در بعد اقتصادی هم اعجاز‌آفرین خواهد بود.

* تشکیلات اداری کشور به یک جراحی نیاز دارد.

* در ده‌ماهه سالی که پشت سر گذاشتیم فقط ۷۸/۵ درصد هزینه‌های مشخص شده، تخصیص یافت.

* اگر درآمدها را درست برآورد کنیم، قادر به کنترل تورم هم خواهیم بود.

۱۵ درصدی تورم که محاسبه شده است، مطمئن باشیم یا خیر؟

آقای نوبخت: وابستگی به درآمد نفت - باتوجه به نوساناتی که طی سالهای گذشته شاهد بودیم - دقیقاً ما را آسیب پذیر می‌کند. در اهداف کلی برنامه اول، مهار تورم را مطرح کرده بودیم و در عمل با یک پارادوکس مواجه شدیم و آن این بود که تعدیل ناخواسته و زودرسی را به برنامه اول تزریق کردیم. ما ده سال سیاست تثبیت اقتصادی را در آغاز برنامه پشت سر گذاشته بودیم. وارث ۲۱۴۶ میلیارد ریال استقراض از سیستم بانکی و حدود ۵۱ درصد کسری بودجه بودیم. ۲۸ درصد تورم و ۲۵ درصد رشد نقدینگی داشتیم. و با این انگیزه که تورم را مهار بکنیم، تمام همت را بر این گذاشتیم که با کاهش هزینه‌های ناشی از جنگ بستوانیم درآمدهایمان را - چه درآمدهای نفتی و چه سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی - افزایش دهیم. در خصوص افزایش سهم مالیات به «G.N.P» یا «G.D.P» موفق بودیم و توانستیم این نرخ را از ۴/۲ درصد به حدود ۸/۵ درصد برسانیم. اما در خصوص نفت چنین نشد. ما فقط سال ۶۹ را از این نظر به عنوان یکسال مطلوب داشتیم و بعد از آن قیمت نفت به سرعت پایین آمد. بازرنگری در تحولات قیمت نفت در گذشته بخصوص در دهه قبل از آغاز برنامه اول نشان می‌دهد که ما در سال ۱۳۵۶ بیست و یک میلیارد دلار درآمد

عمرانی سؤال فرمودید، باید بگویم که بودجه جاری حدود ۱۸ هزار میلیارد ریال است و درآمد بودجه دولت، ۳۰ هزار میلیارد ریال که تفاوت این دو رقم، بودجه عمرانی را تشکیل می‌دهد. که ۳۰ هزار میلیارد ریال جاری و ۱۸ هزار میلیارد ریال بودجه عمرانی است. این نسبت، منطقی نیست. امیدواریم حالا وعده‌ای که آقای زنجانی رئیس سازمان برنامه در جریان بررسی شور اول بودجه می‌دادند که در برنامه دوم نظر این است که به سمتی برویم که هزینه‌های جاری دولت فقط از کانال مالیات تأمین شود و درآمدهای نفتی صرفاً در سرمایه‌گذاریها هزینه شود (یعنی ساختار بودجه ما به گونه‌ای باشد که اگر قرار است دولت در امور جاری هزینه کند، صرفاً از مالیاتها این هزینه‌ها صورت بگیرد و منابعی مثل نفت و نظایر آن صرف امور توسعه، سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال شود)

□ مجلس و پژوهش: آقای

مهندس نوبخت! مجلس در بند الف تبصره ۲۹، بانک مرکزی را مکلف کرده است که به گونه‌ای رفتار کند تا تعهدات بانکی کشور در پایان سال ۷۳ به رقم ۱/۶ میلیارد دلار برسد. مشابه این بند را ما در بودجه ۷۲ داشتیم به نظر شما دلیل عدم موفقیت چنین موردی در بودجه ۷۲ چه بود و دیگر این که آیا در سال آینده باتوجه به نوسانات نرخ ارز می‌توانیم از ثبات در نرخ

مهندس محمدرضا باهنر، عضو هیئت رئیسه مجلس:

میرزا

* اگر بودجه ۷۲ را به صورت دقیق و علمی محاسبه کنیم باید بگوییم که هیچ اتفاقی به جز اینکه کسری ما به تأخیر افتاد و پنهان شد، رخ نداد.

* امسال حساب ذخیره تعهدات ارزی به عنوان یک مورد جدید در لایحه بودجه پیش‌بینی شده است.

* ما تعادل بودجه را جزیی از تعادل در عرضه کل و تقاضای کل در جامعه می‌دانیم و در سیاست تعدیل، یکی از اهداف این است که عرضه کل و تقاضای کل باهم برابری کنند. به نظر می‌رسد که دستگاه‌های دولتی برای اینکه این تعادل را به وجود بیاورند عمدتاً در فکر افزایش نرخها هستند.

نفتی داشتیم و در یک دهه بعد یعنی سال ۶۶ درآمد نفتی ما به ۷ میلیارد دلار یعنی یک سوم درآمد سال ۵۶ رسید. تصورمان این بود که با پایان یافتن جنگ و بهبود شرایط اقتصادی، شاهد بهبود قیمت نفت و درآمدهای نفتی هم خواهیم بود، به طوری که درآمدهای نفتی را برای پایان برنامه در حدود ۲/۲۱ میلیارد دلار پیش‌بینی می‌کردیم اما در سال ۷۲ این درآمد به حدود ۱۳ میلیارد دلار رسید. یعنی ما بعد از اجرای یک برنامه پنج‌ساله از نظر درآمد نفتی به جایی رسیدیم که در اول برنامه بودیم. از سوی دیگر در برنامه اول دست به بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی از یکسو و بازسازی ابنیه و اماکن خسارت دیده از سوی دیگر زدیم. همانطور که مستحضرید خسارات مستقیم ناشی از جنگ حدود ۳۰ هزار میلیارد ریال است و سازمان ملل متحد هزار میلیارد دلار خسارت را پذیرفت. در برنامه اول فکر می‌کردیم آن درآمدهایی که بر شمرده‌ایم را خواهیم داشت و از این رو بازسازی را شروع کردیم ولی درآمدهای نفتی نتوانست این حرکت را حمایت کند و ناچار شدیم سیاست تثبیت را تغییر داده و سیاست تعدیل را جایگزین آن بکنیم. در برنامه اول با یک افق پنج‌ساله

هر چند ما در تبصره‌های ۲۹ بودجه‌های سنواتی برنامه اول و در خود تبصره ۲۹ برنامه اول هیچگاه استفاده از منابع خارجی را به صورت باز و بدون برنامه ریزی برای بازپرداخت تعبیه نکرده بودیم و هر جا یک استفاده گذاشتیم، یک باز پرداخت را هم مشخص کردیم که نوعاً از صرفه جوییهای ارزی مربوط به همان تعهدی که ایجاد می‌کردیم، انجام می‌شد.

ولی پایین آمدن قیمت نفت و درآمدهای نفتی باعث شد که ما نتوانیم تعهدات خودمان را بپردازیم. بنابراین مشخصاً درباره سؤالی که شما فرمودید که در سال گذشته ما ناموفق بودیم، باید بگوییم این عدم موفقیت را می‌توانیم با وابستگی به درآمدهای نفتی کاملاً تعریف بکنیم. اما این نکته را باید توجه داشته باشیم که با توجه به مجموعه احوالی که ما داریم، این حجم تعهد برای کشوری با پتانسیل ایران، رقم خیلی بالایی نیست. کشورهای دیگر هم ممکن است در شرایط نابرابر، میزان تعهداتشان بیشتر از ما باشد ولی شرایط سیاسی - اجتماعی ما را ندارند. ما یک انقلاب نوپا هستیم و همه دستها برای ساکت کردن این انقلاب به کار افتاده است بنابراین نباید فراموش بکنیم که کوچکترین مورد در عدم تحقق سررسیدهای این تعهدات، باعث می‌شود که برای ما ایجاد جو سازی کنند. که همین طور هم شد. یعنی کاملاً به صلاح کشور است که در سال ۷۳

درآمدهای نفتی را بالا و در حد ۲۲ میلیارد دلار می‌دیدیم اما از سال ۶۹ مجدداً سیر نزولی داشت تا این که در سال ۷۲ پیش‌بینی ما در بودجه رقم ۱۷ میلیارد دلار بود که عملکرد آن در خوش بینانه‌ترین وضع، بیش از ۱۳ یا ۱۴ میلیارد دلار نخواهد بود. و برای سال ۷۳ نیز این رقم به حدود ۱۰ میلیارد دلار می‌رسد. از سوی دیگر نظام برای این بازسازی مصمم بود. پس باید برای درآمد نفت یک جایگزین می‌داشتیم و ناگزیر شدیم که دست به سیاست تعدیل بزنیم. یعنی با افزایش قیمت کالاها و خدمات این کاهش درآمد را تامین کنیم. گرچه ما در برنامه اول نوعی کاهش سوبسید یا سمت دادن سوبسید را به سمت اقشار کم درآمد پیش‌بینی کرده بودیم. ولی در عمل از این موارد به گونه دیگری استفاده کردیم و در برخی موارد ناچار شدیم بعضی از سوبسیدها را به صورت کور حذف کنیم یا کاهش بدهیم.

مجموعه این شرایط باعث شد که کشور در وضعیتی قرار بگیرد که سایه آن حتی بر برنامه دوم هم سنگینی کند. یعنی در برنامه دوم هم ناچار هستیم که برای ادامه راه بازسازی، باز هم از روش تعدیل استفاده کنیم. تعریف ما از تعدیل نیز، بالا بردن قیمت یا سمت دادن قیمتها به سمت هزینه نهایی تولید است. این توضیحی که عرض شد وابستگی شدید برنامه‌های ما را به درآمدهای نفتی نشان می‌دهد، کما این که

مهندس سید مرتضی نبوی،
عضو کمیسیون امور اقتصادی و
دارایی:

سید مرتضی نبوی

* امیدواریم قول سازمان برنامه
و بودجه مبنی بر این که در برنامه
دوم به سمت تأمین هزینه‌ها از
طریق مالیات خواهیم رفت،
تحقق یابد.

* این که گفته می‌شود ۶۰ درصد
عملکرد امسال بازار بورس
مربوط به دولت و بانکها بوده،
ضعف در خصوصی سازی است.

* اگر کارهای زیربنایی که دولت
انجام داده و می‌دهد به انجام
برسد، زمینه‌های زیادی برای
فعالیت بخش خصوصی آماده
خواهد شد.

* تسهیلات بانکی باید برای
بخش خصوصی آزاد شود تا
صرف سرمایه گذاری گردد.

سهم بیشتری از تعهدات خودمان را باز
پرداخت نکنیم. ولی متأسفانه به لحاظ
ترکیبی که هزینه‌های ما دارند حداکثر رقمی
که توانستیم در نظر بگیریم ۱/۶ میلیارد دلار
بود. هر چند فکر می‌کردیم که این رقم باید
بیشتر از این باشد و حق این بود که ما بیشتر
از این رقم را به سررسید تعهداتمان در سال
۷۳ اختصاص بدهیم. ولی شرایط ایجاب
نکرد و ما در این حد ماندیم. از آنجا که این
نگرانی را داشتیم، مجبور شدیم که در بند
«ج» ماده واحده هم مجدداً حداقل ۱/۶
میلیارد دلار را به عنوان جایگزین و اولویت
دوم در انجام تعهدات خارجی، منظور کنیم.
در بند «ج» پیش‌بینی کردیم که اگر دولت از
نظر درآمدها به حالتی برسد که به بیش از
۱۰ میلیارد و ۱۵۴ میلیون دلار درآمد نفتی
برسد و تا سقف ۱۱ میلیارد و ۸۴۰ میلیون
دلار (با یک فاصله ۱/۶ میلیارد دلاری) باز
هم به تعهدات اختصاص بدهد و اگر مازاد
بر سقف ۱۱/۸ میلیارد دلار درآمد داشت،
می‌تواند به پروژه‌های نیم تمام یا کسری
اعتبارات جاری و عمرانی اختصاص بدهد
و این نحوه برنامه‌ریزی نگرانی ما را برای هر
چه بیشتر به صفر نزدیک کردن تعهدات
خارجی مان نشان می‌دهد. انتظار ما با توجه
به مجموعه شرایطی که از نظر قیمت

آقای باهنر: و اجازه بفرمایید من یک کلمه کوچک به صحبت‌های برادر عزیزمان جناب آقای نوبخت داشته باشم و آن اینکه ما یک سقف اضافه ارزی برای بند «ج» پیش‌بینی کردیم که اگر حاصل شد برای بازپرداخت تعهدات خارجیمان بگذاریم و بعد بند «د» را پیش‌بینی کردیم که اگر سقف درآمد دولت از آن هم بیشتر شد، آن را به پروژه‌ها اختصاص دهد. مسأله دیگر آن که ما اگر از سطح ۱۰ میلیارد و ۱۵۴ میلیون دلار بیشتر درآمد داشتیم، به بازپرداخت تعهدات خارجی تعلق می‌گیرد. بند «ج» را به دو بخش تقسیم کنیم و دو بحث ریالی مطرح کنیم. ما قطعاً درآمد ریالی مان بیش از آن ۱۰ میلیارد و ۱۵۴ میلیون دلاری که اکنون داریم می‌بینیم و این را صرف ۱۰ درصد کسریها بکنیم و اصلاً دلار را مخلوط نکنیم و آن را بگذاریم برای همان تعهداتمان بماند. من عرض کردم ۹ میلیارد دلار را ۱۷۵ تومان دیدیم، ۱/۶ میلیارد آن را ۷۰ ریال دیدیم و آن ۹ میلیارد دلار، قطعاً ۱۷۵ تومان نخواهد بود. یعنی اگر این افزایش را حداقل باندازه نرخ تورم هم حساب بکنیم، به ۲۰۰ تومان می‌رسد. و این ما به التفاوت، حدود ۲۰۰ میلیارد تومان است که رقم بسیار بالایی است که ما می‌توانیم بسیاری از کسری ریالی بودجه‌هایمان را جبران بکنیم.

□ مجلس و پژوهش: آقای مهندس نبوی! جناب‌عالی در این خصوص نکته تکمیلی دارید؟

جهانی نفت وجود دارد، این است که قطعاً ما ۱/۶ میلیارد دلاری را در بند «الف» تبصره ۲۹ منظور کرده‌ایم آنرا انجام بدهیم و در مورد بند «ج» نیز - در یک سناریوی خوش‌بینانه - موفق بشویم که آن را انجام بدهیم. گرچه یک خیر ناخوشایندی در این زمینه وجود دارد و آن این است که بسیاری از کمیسیون‌هایی که تا الان جلسات مشترکی با کمیسیون بودجه داشته و می‌باید حداقل ده درصد زیر آن فصل خودشان عمل می‌کردند، این کار را انجام ندادند و به گونه‌ای اعتبارات و بودجه دستگاه‌های خودشان را تنظیم کردند که ما ناچار هستیم آن ده درصد‌های کاسته شده را باز از بند «ج» برای آنها جبران بکنیم. ولی به هر تقدیر در یک سناریوی واقع بینانه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که در پایان سال ۷۳ حداقل ۱/۶ میلیارد دلار از تعهداتمان نسبت به ابتدای سال ۷۳ کاسته شده باشد. هر چند باز هم بند «ب» ایجاد نگرانی می‌کند، چون دولت اجازه ایجاد تعهد مجدد را داده است. البته با یک توافق مشترک بین کمیسیون امور اقتصادی و دارایی و کمیسیون بودجه، ما باز هم در آن بند «ب» تبصره ۲۹ این محدودیت کاهش ۱/۶ میلیارد دلار از ابتدا به انتهای سال ۷۳ را لحاظ کردیم که البته نظر دولت در لایحه بودجه این نبود. امیدوارم که ما بتوانیم حداقل در تبصره ۲۹ آنچه را که در مورد کاهش تعهدات پیش‌بینی کردیم تحقق پیدا کند.

مهندس یحیوی، رئیس
کمیسیون نفت:

* وابستگی درآمد کشور به نفت
در لایحه پیشنهادی دولت، ۶۶
درصد بود که مجلس آن را به
۵۸/۵ درصد تقلیل داد.

* مجلس باید با همفکری دولت
برای انطباق هرچه بیشتر
جهت‌گیریهای برنامه دوم با
رهنمودهای مقام معظم رهبری،
یک کار اساسی انجام دهد تا
شاهد کاهش بعضی از مشکلات
موجود باشیم.

* در مرحله حساس کنونی، به
سادگی نمی‌توانیم عضویت در
گات را بپذیریم.

* مجلس برای جلوگیری از
واردات بی‌رویه، تعرفه‌های
گمرکی پیشنهاد شده از طرف
دولت را که در سطح ۸ درصد
بود، به ۱۶ درصد افزایش داد.

مجلس و پژوهش

درمورد این کاهش ۱۵ درصدی در
تعهدات ...

آقای نبوی: بله. جنابعالی در سؤالاتان
اشاره داشتید به این که امسال یعنی در سال
۷۲ پیش‌بینی شده بود که تعهدات ما ۱۵
درصد کم بشود. به هر حال این را باید
کمیسیون برنامه بودجه تفکیک بکند به
شرط این که اگر از ۱۰/۵ میلیارد دلار بیشتر
شد، از آن استفاده کند. یعنی باید یک
جدول پیوستی وجود داشته باشد که در آن
جدول منظور شده باشد، در غیر این
صورت از اول آن را خرج می‌کنند.

اما نکته مورد سؤال این بود که امسال
در تبصره ۲۹، پانزده درصد پیش‌بینی شده
بود ولی تحقق پیدا نکرد، حال چه تضمینی
وجود دارد که سال دیگر تحقق پیدا کند؟ من
می‌خواهم عرض کنم که بیش از ۱۵ درصد
تحقق پیدا کرده است، چون که پیش‌بینی
شده بود که دولت ۱۳ میلیارد دلار تعهد
جدید ایجاد کند و از آنجا که کشورها و
شرکتهای خارجی این تعهد جدید را ایجاد
نمی‌کردند، لذا تعهدات ما بیش از این مقدار
کاهش پیدا کرد.

□ مجلس و پژوهش: اجازه
بفرمایید به عنوان آخرین سؤال این
میزگرد، به یک مقوله «بستری»
بپردازیم. بودجه سال ۷۳ مقدمه‌ای

مردم ما از نظر اعتقاد نسبت به نظام قویترند و هم کشورمان از نظر منابع خدادادی، وضع خوبی دارد. بنابراین اگر ما به علت وجود این تنگناها، مقداری از امیدمان به درآمدهای نفتی را بکاهیم، خودش برای آینده گره گشا خواهد بود و انشاءالله باید با تلاش بیشتر و با فکر و غور در رابطه با برنامه‌ها، زمینه کاهش وابستگی به نفت را سریع‌تر فراهم بکنیم. مسأله دیگر، کاهش هزینه‌ها و مصرف است. و باید روی آن تاکید کنیم. ما حتی از نظر فرهنگی، کاری با محتوای برنامه‌ها یا بودجه سالانه نداریم. ما از نظر فرهنگی ملتی هستیم که شاید زیاد به صرفه‌جویی عادت پیدا نکردیم. باید روی فرهنگ کار و تولید تاکید داشته باشیم و روی صرفه‌جویی بیشتر دقت بکنیم. در این زمینه هم باز امید بسیار خوبی برای کشور وجود دارد، چه از نظر اعمال سیاستها در برنامه دوم و چه از نظر شروع یک سری کارهای فرهنگی در جامعه که ما باید روحیه کار، تولید و صرفه‌جویی و روحیه تلاش و صبر بیشتر در رابطه با ناملايمات اقتصادی را در مردمان تقویت بکنیم. برخی کشورهای دیگر نیز این مسائل را داشتند و توانستند با برنامه‌ریزی خوب آن مشکلات را پشت سر بگذارند.

مسأله سومی که باید بیشتر به آن توجه بکنیم، توجه بیشتر به اولویتها است. ما در کشورمان گرفتاری زیاد داریم، خرابیهای ناشی از جنگ، مسائل باقیمانده از

است برای برنامه دوم و لازم است یک جهت‌گیری کلی در این زمینه مورد توجه قرار بگیرد. از آنجا که در حال حاضر برنامه دوم را در اختیار نداریم، در واقع بودجه‌ای بدون چارچوب، استراتژی و خط مشی مصوب را دنبال می‌کنیم. گذشته از آن، عملکرد بودجه سالهای گذشته تفاوت قابل ملاحظه‌ای با عملکرد مصوب داشته است. خوب نیست که ما در فاصله‌های زمانی مشخص مثلاً فصلی یا نیمسال بودجه‌های سالانه را از نظر عملکرد ارزیابی کنیم و جلوی هزینه‌های اضافی را بگیریم؟ به طور کلی برای آنکه نظام بودجه‌ریزی ایران را به واقعیت نزدیکتر کنیم چه کار می‌توانیم بکنیم؟ جناب آقای دکتر زالی!

آقای دکتر زالی: در رابطه با جهت‌گیریهایی که برای برنامه دوم باید تاکید بیشتری روی آنها داشته باشیم، توجه به چند نکته حائز اهمیت است یعنی این که اگر بتوانیم در برابر تنگناهایی که با توجه به قیمت نفت برای ما حاصل شده خوب برنامه‌ریزی کنیم، به اعتقاد من باید از آن به عنوان یک نعمت یاد کنیم. کشور ما بحمدالله از نظر امکانات بسیار غنی است. اگر ما خودمان را با کشورهای مثل ژاپن و کره بعد از جنگ مقایسه کنیم می‌بینیم که

تشکیلات اداری نیز کار بکنیم. در رابطه با ساختار اقتصادی نیز اتخاذ همین رویه ضروری است و هنگامی که مسأله مالکیت و نیروی اضافی کارخانه‌ها پیش می‌آید باید همزمان به فکر این باشیم که چگونه بتوانیم از نیروهای موجود در سایر فعالیتهای و از طریق آموزشهای لازم برای جابه‌جایی، بتوانیم امکانات لازم را فراهم کنیم یا حداقل تأمین اجتماعی را برای بعضی‌ها که ممکن است نتوانند از امکانات کاری بهره بگیرند فراهم بشود. همچنین باید در برنامه دوم به مسأله کشاورزی توجهی بسیار جامع‌تر از آنچه که در گذشته بوده، داشته باشیم. کشاورزی می‌تواند زمینه بسط عدالت اجتماعی را فراهم بکند و زمینه بکارگیری استعدادهای بالقوه کشور را در مناطق مختلف بوجود بیاورد، اشتغال ایجاد کند، واردات را کاهش دهد، ارز آوری داشته باشد و بالاخره بستر مناسبی را برای توسعه سایر بخشها فراهم سازد. حال اگر ما ملزم شویم که گره‌های باقیمانده در بخش کشاورزی را - که به خصوص باید به سمت حرکت مردم باز بشود - برای حرکت مردم در بعد اقتصادی و کشاورزی باز بکنیم، قطعاً کاری کرده‌ایم که نتایج خوبی در پی خواهد داشت. در رابطه با موضوع دوم که مطرح فرمودید باید بگویم که عملکرد سالهای گذشته معمولاً منطبق با آن چیزی که پیش‌بینی شده نبوده و این یک واقعیت است و اتفاقاً تمام بحثهایی که در مجلس برای برآورد واقعی درآمدها به عمل می‌آمد، از همین جهت بود. الان ما در ده ماهه سالی

سیاستهای غلط اقتصادی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نیازهای روز افزون کشور و... بالاخره طبیعی است که آن کارهایی را که باید انجام بدهیم شاید با درآمدهای سابق ما مطابقت نداشته باشد و از این جهت ما باید در اولویتهایمان چه در زمینه صنعت و چه در رابطه با کارهایی که می‌خواهیم انجام بدهیم تجدید نظر بکنیم و متناسب با درآمدهای کشور و امکانات موجودمان، بتوانیم از سایر توانها که شاید کمتر به آن توجه شده، استفاده بکنیم. اگر ما سیاست‌گذاری درستی بکنیم و مسیر حرکت مردم را بیشتر هموار بکنیم توان‌های بسیار خوب مردمی که در جبهه و جنگ برای ما کارساز بود، قطعاً می‌تواند در بعد اقتصادی هم اعجاز آفرین باشد. لازم است نسبت به این مسائل توجه بیشتری بشود.

تشکیلات اداریمان را باید قطعاً به عنوان یک موردی که نیاز به جراحی دارد مورد توجه قرار دهیم، البته جراحی باید کاملاً مطالعه شده باشد و به این منظور نباشد که همه کارمندان را بیکار بکنیم، به آن صورت نیست. ما باید همزمان که برای نیروهای مازادمان فکر می‌کنیم، به آموزش آنها، جابجایی‌ها، فراهم کردن امکانات و... ایجاد کنیم، باید برای جمع و جور کردن

که پشت سر گذاشتیم و از مجموع هزینه‌هایی که باید تخصیص پیدا می‌کرد، فقط ۷۸/۵ درصد تخصیص داده شده است. بنابراین این از آنجا که درآمد نداشتیم، خواهی‌نخواهی خیلی از بودجه‌های عمرانی یا جاری را زدیم. سعی مجلس در این است که درآمدها را واقعی برآورد کند تا سال آینده این گرفتاری کمتر باشد. درثانی این کاهشی است که بعداً دولت نیز تصمیم دارد بالسویه برای همه بخشها داشته باشد اما مجلس به صورت مطالعه شده‌تری باتوجه به اولویتهای کشور بین بخشها تقسیم خواهد کرد. این تلاشی که نمایندگان داشتند بیشتر برای تحقق همین مسأله بود که وقتی درآمدهایمان درست پیش‌بینی نشود بعداً با یک سری مشکلات مواجه می‌شویم اما اگر بتوانیم درآمدها را درست برآورد بکنیم، هم مسائل تورم را می‌توانیم کنترل کنیم و هم این که از حجم گرفتاریهای دولت در سال آینده، کاسته می‌شود.

□ مجلس و پژوهش: از اینکه دعوت‌مان را پذیرفتید تشکر می‌کنیم و از اینکه با سعه صدر و حضور ذهن، امکان این گفت و شنود صریح را فراهم ساختید عمیقاً سپاسگزار هستیم. به امید دیدارهای آینده.